

ستایش

ای نام نکوی تو سردقتر دیوان

وی طلعت روی تو زینت ده عنوان

معنی : ای خدایی که نام زیبای تو سردقتر تمام کتاب های شعری است و ای خدایی که دیدن روی تو زینت ده همه سرآغازها است .

تاریخ ادبیات : مستوره کردستانی :

شاعری که به دو زبان فارسی و کردی شعر سروده است . او را نخستین زن تاریخ نویس کرد در ایران شمرده اند . آثار او عبارتند از : «دیوان شعر و تاریخ اردلان» صفحه 143

سعدی شیرازی : شاعر قرن هفتم می باشد . «بوستان و گلستان» دو اثر سعدی است . صفحه 140

قلمرو های سه گانه بررسی متون فارسی :

قلمرو زبانی :

املا و معنی واژه ها

روابط معنایی واژه ها : ترادف ، تضمن ، تضاد ، تناسب ، نکات املائی ، معنی واژه ها

سطح دستوری : یافتن نهاد و مفعول و مسند و قید ، متمم ، منادا ، یافتن هسته گروه اسمی و وابسته ها

قلمرو ادبی : یافتن قافیه ، ردیف ، تشبیه ، استعاره ، تشخیص ، کنایه ، مراعات نظیر ، جناس

قلمرو فکری : معنای نظم و نثر و پیام ابیات ، قرابت معنایی

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

معنی: با نام خدای آغاز می کنم که جان را آفرید و توانایی سخن گفتن را در زبان ایجاد کرد.

خداوند بخشنده دستگیر کریم خطابخش پوزش پذیر

مراعات نظیر: بخشنده ، دستگیر ، کریم ، خطا بخش ، پوزش پذیر

دستگیر بودن کنایه از یاری رساندن

معنی: خداوندی که به ما نعمت می دهد و ما یاری می کند. و خداوندی که گناهان ما را می بخشد و عذر ما را می پذیرد.

پرستار امرش همه چیز و کس بنی آدم و مرغ و مور و کس

مراعات نظیر: مرغ ، مور ، مگس / مرغ ، مور ، مگس : منظور تمام موجودات جهان خلقت / پرستار : پرستیدن ، عبادت کردن

معنی: همه چیز و همه کس فرمانبردار امر و دستور خداوند هستند.

یکی را به سر برهند تاج بخت یکی را به خاک اندر آورد ز تخت

تاج بر سر کسی گذاشتن : کنایه از عزت و بزرگی دادن

از تخت به خاک آوردن : کنایه از خوار و حقیر و بی ارزش کردن / تلمیح به آیه قرآن : « تعز من یشاء و تذلل من یشاء »

معنی: خداوند هر کس را که نخواهد به او عزت و بزرگی می بخشد و هر کس را که نخواهد از تخت پادشاهی پایین می آورد.

گهستان کند آتشی بر خلیل / گروهی بر آتش برد ز آب نیل

تلمیح به داستان در آتش انداختن حضرت ابراهیم توسط نمرود / تلمیح به داستان حضرت موسی و عبور از رود نیل

معنی: خداوند اگر اراده کند آتشی را که نمرودیان دست کرده اند تبدیل به گهستان می کند و اگر اراده کند فرعونیان را از وسط رود نیل وارد جهنم می کند.

به درگاه لطف و بزرگیش / بزرگان نهاده بزرگی ز سر

سر نهادن کنایه از فراموش کردن

معنی: بزرگان در برابر خداوند، بزرگیشان را فراموش می کنند و فروتنی می کنند.

جهان متفق بر الهیتش / فرومانده از کنه الهیتش

فرومانده کنایه از ناتوانی

معنی: مردم جهان در خداوندی او، بمغفک هستند و در شناخت ذات خداوند ناتوان هستند.

بشر ماورای جلالش نیافت / بصر نتهای جالش نیافت

ماورا : بالاتر و فراتر

معنی: انسان از خداوند بزرگتر و زیباتر چیزی پیدا نمی کند و چشم انسان حقیقت زیبایی خدا را درک نمی کند.

تامل در آینه دل کنی صفائی به تدبیرج حاصل کنی

معنی: اگر به وجودت خودت فکر کنی به تدبیرج پاکی را بدست می آوری.

«اگر خودت را بشناسی خدا را خواهی شناخت»

محال است سعدی که راه صفا توان رفت جز بر پی مصطفی

معنی: ای سعدی غیر ممکن است به صفای دل برسی مگر اینکه پیرو پیامبر باشی.

پیش از اینها فکر می کردم خدا خانه ای دارد میان ابرها

معنی: قبل از این فکر می کردم خانه خدا بین ابرها است

مثل قصر پادشاه قصه ها خشتی از الماس و خشتی از طلا

آرایه تشبیه: مثل ادات تشبیه قصر: مشبه به خشتی از الماس و خشتی از طلا: وجه شبه

خانه در بیت اول مشبه است

الماس، طلا: مشبه به

معنی: خانه خدا مثل کاخ پادشاهان قصه ها است. خانه ای که خشت هایش از الماس و طلا ساخته شده است.

پایه ها بر جش از عاج و بلور بر سر تختی نشسته با غرور

برج: قصر، ساختمان بلند / عاج: داندان فیل / بلور: شیشه ارزشمند

عاج و بلور: منظور ارزشمند بودن است

معنی: ستون و پایه های کاخ او از عاج فیل و شیشه ساخته شده است و خدا با غرور بر روی تخت نشسته است.

ماه برق کو چکی از تاج او هر ستاره پولکی از تاج او

مراعات نظیر : ماه و ستاره

معنی: ماه نور کو چکی از تاج خدا است و ستارگان پولک های درخشان تاج او هستند.

رعد و برق شب طنین خنده اش سیل و توفان نعره توفنده اش

طنین : صدا / سیل و طوفان مراعات نظیر / نعره : فریاد / توفنده : پر خروش و خروشان

معنی: رعد و برق انعکاس خنده خدا است و سیل و طوفان فریاد خدا است.

بیچ کس را در حضورش راه نیست بیچ کس از جای او آگاه نیست

راه نیست : کنایه از پذیرفته نشدن / راه ، راه : جناس

معنی: بیچ کس از جا و مکان خدا آگاهی ندارد و کسی را به حضور خدا راه نمی دهند.

آن خدایی رحم بود و محکمین خانه اش در آسمان دور از زمین

معنی: خدایی که من در ذهن داشتم بی رحم و عصبانی بود، او خانه ای در آسمان با داشت و بازین ارتباطی نداشت.

بود اما در میان ما نبود مهربان و ساده و زیبا نبود

معنی: خدا وجود داشت اما در بین ما و مهربان و ساده و زیبا نبود.

دردل او دوستی **جایی** نداشت مهربانی **بیچ** معنایی نداشت

معنی: خدا با بیچ کس دوست نبود و دوست بودن با او مفهومی نداشت، مهربانی برای خدا بیچ، معنا و مفهومی نداشت.

هر چه می پرسیدم از خود از **خدا** از زمین از آسمان از **ابرها**

معنی: وقتی درباره خدا خودم زمین و آسمان و ابرهای پرسیدم.....

زود می گفتند این کار **خداست** پرس جواز کار او کاری **خطاست**

معنی: سریع می گفتند که این کار کار خداست پرس جواز کار خدا کار اشتباهی است.

نیت من در نماز و **دعا** ترس بود و وحشت از خشم **خدا**

معنی: قصد من از دعا و نماز ترس از خدا و ترس و وحشت از خشم خدا بود.

پیش از اینها خاطر **م** **دلگیر** بود از خدا در خشم این **تصویر** بود

معنی: پیش از این فکر و خیالم گرفته بود و از خدا تصویری شکمین و خشن داشتم.

تا که یک شب دست در دست **پدر** راه افتادم به قصد یک **سفر**

معنی: تا اینکه یک شب در حالی که دست پدرم را گرفته بودم به سفر رفتیم.

در میان راه در یک **روستا** خانه ای دیدیم خوب و **آشنا**

معنی: بین راه به یک روستا رسیدیم و در آنجا خانه ای زیبا و آشنا دیدیم.

زود پریدم پدر اینجا **کجا** است گفت اینجا خانه خوب **خدا** است

معنی: بلافاصله از پدرم پرسیدم که پدر اینجا کجا است. پدر گفت اینجا خانه زیبای خدا است.

گفت اینجا می شود یک **مخطماند** گوشه ای خلوت نازی ساده **خواند**

معنی: پدر گفت: اینجا می توان مخطمانه ای توقف کرد و گوشه ای ناز خواند.

با وضوئی **دست و روی** تازه کرد بادل خود **گفتگوی** تازه کرد

معنی: با آب وضو گرفت و دست و صورتی شست و از ته دل با خدا حرف زد.

گفتمش پس آن خدای **مخملین** خانه اش اینجا است اینجا **دزین**

معنی: به پدرم گفتم: پس آن خدای عصبانی و ناراحت خانه اش در زمین است؟

گفت آری خانه‌ی او بی‌ریاست فرش‌هایش از گلیم و بوریاست

بوریا: حصیری که از نی درست می‌شود.

معنی: پدر گفت به خانه‌ی خدا ساده و بی‌ریاست. فرشش هم از گلیم و حصیر است.

مهربان و ساده و بی‌کینه است مثل نوری در دل آینه است

معنی: این خدا مهربان و ساده و بدون کینه است. مانند نوری روشن درون آینه است

عادت او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشانش روشنی

تلمیح به آیه 35 سوره نور: خداوند نور آسمان‌ها و زمین است.

معنی: خدا عادت ندارد عصبانی شود و دشمنی بورزد و خدا نور است و نشان‌اش پاکی و روشنی است.

تازه فهمیدم خدایم این خداست این خدای مهربان و آشناست

معنی: تازه متوجه شده‌ام که خدای من همان خدای مهربان است. خدای مهربان و آشنا

دوستی از من به من نزدیکتر از رک کردن به من نزدیکتر

تلمیح به آیه 16 سوره ق « نحن اقرب الیه من حبل الوريد »

معنی: خداوند دوستی است که از من به من نزدیکتر است حتی از رگ کردن.

می توان بعد از این با این خدا دوست باشیم دوست پاک و بی ریا

معنی: من می توانم بعد از این با خدا دوست باشم دوست پاک و بی ریا

تاریخ ادبیات : قیصر امین پور :

شاعر معاصر از جمله آثار او می توان به « در کوچه آفتاب، تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو و آینه های نگهبان » اشاره کرده.

شوی: قالب شعری است که هر دو مصراع آن قافیه دارد و قافیه هر بیت بایست دیگر متفاوت است. (هر بیت قافیه جداگانه دارد.)

مناسب ترین قالب برای سرودن داستان های بلند و اشعار طولانی است.

شوی معنوی اثر مولانا و شاهنامه اثر فردوسی در قالب شوی سروده شده است.

شکل کرائیکی قالب شوی:

الف.....

الف.....

ب.....

ب.....

ج.....

ج.....

د.....

د.....

نکات زبانی درس اول :

فعل: بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمانی مشخص دلالت می‌کند. فعل دارای **زمان**، **شخص**، و **شمار** است.

گرفت: فعل ماضی، سوم شخص مفرد

نوشتیم: فعل ماضی، اول شخص جمع

پس فعل دارای زمان، شخص و شمار است.

مصدر: بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی بدون زمان مشخص دلالت می‌کند. **مصدر زمان ندارد**، **شخص و شمار ندارد**.

نشانه مصدر «ن» است.

مثال: خوردن، نوشتن، کاشتن، شنیدن، خواندن، دانستن

نکته: در مثال های بالا «ن» نشانه می مصدر است.

طریقه ساختن بن ماضی: مصدر منهای ن = بن ماضی

پس اگر از مصدر «ن» را حذف کنیم بن ماضی درست می‌شود.

رفتن - ن = رفت «بن ماضی» / شنیدن - ن = شنید / خریدن - ن = خرید

طریقہ ساختن بن مضارع: بن ماضی را امری و دستوری می کنیم، پس ب را حذف می کنیم.

نوشتن بن ماضی می باشد. / تبدیل به امری کنیم: بنویس / ب را حذف می کنیم: نویس

گفتن: بگو = کو / رفتن: برو = رو / خواندن: بخوان = خوان

طریقہ ساختن مضارع اخباری: می + بن مضارع + شناسه ها

می + نویس + شناسه ها = می نویسم

می + رو + شناسه ها = می روم

طریقہ ساختن مضارع التزامی: ب + بن مضارع + شناسه ها

ب + کو + شناسه ها = بگویم

ب + شناس = بشناسم

روابط میان واژگان:

1: تراوف (هم معنی): کلمات تقریباً معنای یکسانی دارند و می توانند در جمله جای یکدیگر به کار بروند.

(مراود، خواسته / جاه، مقام / خرومند، عاقل / عدل، داد / مدبوش، متحیر / آسیب، گزند / ترس، هراس)

خدایا ما را از آسیب و دشمنان محافظت بفرما!

خدایا ما را از گزند و دشمنان محافظت بفرما!

2: تضاد: دو کلمه از نظر معنا مخالف یکدیگر هستند. (خلعت، نور / خست، سخاوت)

3: هم خانواده: کلمات عربی که دارای ریشه فعلی مشترک باشند. در عربی کلماتی که یک ریشه سه حرفی مشترک داشته باشند و البته ترتیب حروف ریشه و معنای آن حفظ شود هم خانواده هستند.

مثال: (جلیل، تجلیل، محفل)، (مسجد، سجده، سجود، سجده)

د فارسی کلماتی که از بن ماضی، مضارع مربوط به یک مصدر ساخته شده باشند هم خانواده هستند.

مثال: دیده، مینا، بینش، بیننده، دیدار / گویا، گوینده، گفتار، گویش، گفته

4: هم نویسه: نوشتار و املای یکسان دارند اما تلفظ و معنای آن ها متفاوت است که به دو بخش تقسیم می شوند.

الف: کلماتی که صدای حروف آن ها متفاوت است: (ملک، ملک، ملک، ملک)، (گل، گل)، (مهر، مهر)

ب: کلماتی که اختلاف تلفظ آنها ناشی از داشتن تشدید و کاهی تشدید و حرکت است.

حلال، حلال / بنا، بنا / مسکن، مسکن / معین، معین

5: کلمات هم آوا: کلماتی که تلفظ یکسان دارند اما نوشتار و آملای متفاوت دارند.

ارض: زمین / عرض: پهنای / اساس: پایه / اثاث: لوازم خانه / علم: پرچم / الم: درد / امارت: فرمانروایی / عمارت: ساختمان

6: هم آوا هم نویسه: کلماتی که از نظر تلفظ و نوشتار یکسان هستند.

شور: مزه / شور: میحان / کور: قبر / کور: کور خنجر / شیر: حیوان دنده / شیر: نوشیدنی / روان: روح / روان: جاری

7: تناسب: کلماتی که از یک مجموعه هستند و با هم پیوستگی معنایی دارند. (حافظ، شعر، شاعر، دیوان، غزل)

8: دو تلفظی: کلماتی هستند که به دو شکل تلفظ می شوند و هر دو شکل تلفظ صحیح است.

یادگار: یاد + کار / یاد + د + کار / آشنا: آ + ش + نا / آ + ش + نا

9: کلمات چند معنایی: کلماتی که در موقعیت های مختلف معنای متفاوت می گیرند.

خورد:

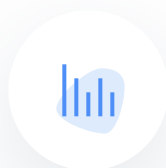
او غذا خورد (تناول کرد) / او مشک به هدف خورد (اصابت کرد) / ماشین خیلی به دردم خورد (مفید بودن) / او حتم را خورد (پامال کرد) / علی بغضش را خورد (پنهان کرد)

واج های میانجی: ج: سبزجات / ک: نیکان / گ: همگی / ا: نامه ای / و: بازوان / ی: آشنایان



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد